

گفت‌وگو با سیروان خسروی خواننده موسیقی پاپ

از جایگاه‌هم راضی‌ام

◀فران انصاری

-مدت‌ها بعد از انتشار آلبوم «ساعت ۹» بالاخره سیروان خسروی توانست کنسرتش را برگزار کند، و به‌رغم کنسرت‌های قبلی که برخی از آنها لغو شده بودند اتفاق خاصی درباره اجرای این برنامه پیش نیامد. برایمان از کنسرت اخیرتان صحبت کنید. از شرایط فنی اجرای کار راضی بودی؟

من در پنج ماه گذشته دو بار کنسرت دادم. کنسرت دوم که در برج میلاد برگزار شد از لحاظ فنی خیلی بهتر بود. چون هم تجربه من بیشتر شده بود و هم سالن میلاد به خاطر بزرگی فضا دست‌مان را باز گذاشته بود. همین‌طور بچه‌ها با هم هماهنگ‌تر شده بودند.

-سبک موسیقی شما House- pop است؟ نه، نوع موسیقی که ما اجرا می‌کنیم در ژانر pop- Rock قرار می‌گیرد.

-بستن یک ارکستر موسیقی راک در ایران باید کار سختی باشد، نه؟

بزرگ‌ترین مشکلی که در ایران هست این است که ما نوازنده حرفه‌ای خیلی کم داریم. در همه سارها معمولاً یک یا دو نفر نوازنده حرفه‌ای بیشتر نداریم و این نوازنده‌های حرفه‌ای هم با خواننده‌های مختلف کنسرت می‌روند. به همین دلیل تداخل کار ایجاد می‌شود و یک نوازنده نمی‌تواند به صورت ثابت در یک گروه باشد چون تعداد اجراها انقدر زیاد نیست که بشود چنین کاری کرد. به جز یکی دو خواننده که نوازنده‌هایشان ثابت‌اند بقیه این حالت را ندارند.

-در اجرای اولین کنسرت، وقتی جمعیت را دیدی هول نشدی؟ دوست نداشتی از روی صحنه برگردی پایین؟

(می‌خندد) نه اصلاً.

-نه جدی می‌گویم، اولین برخوردت با مردم در چنین موقعیتی چطور بود؟

اولین اجرای کنسرتم در سالن اریکه بود. من هم انقدر خوب و با انرژی روی صحنه رفتم که استرس‌هایم ظرف ۳۰ ثانیه از بین رفت.

-اجرای زنده سیروان خسروی با چیزی که ما در آلبوم‌ها شنیده‌ایم، چقدر فرق می‌کند؟ بستگی به خود آهنگ دارد. در یکسری آهنگ‌ها شاید ۲۰ درصد تفاوت داشته باشد، در بعضی دیگر ممکن است این تفاوت به ۶۰ درصد هم برسد.

-می‌خواهم بدانم از لحاظ فنی خودت از کار راضی بودی؟ آیا اجرا همان چیزی بود که می‌خواستی؟

من از اجرای کنسرت آخرم راضی بودم و احساس می‌کنم می‌توانم نمره قبولی به خودم بدهم. اما مسلماً نمره ۲۰ به آن نمی‌دهد. **-خیلی‌ها می‌گویند تو به سبک راک نزدیک‌تری اما به اجبار کارهایت را به پاپ نزدیک‌تر می‌کنی. این نظر را قبول داری؟**

نه، به عنوان یک خواننده معتقدم سبکی که به آن نزدیکم راک و پاپ را است ولی گاه سعی می‌کنم کارم را نه به موسیقی House بلکه به موسیقی Danse نزدیک کنم. این هم به این دلیل که این نوع موسیقی مردم‌پسندتر است. اما موقع اجرای کنسرت این‌طور نیست.

-چرا در آلبوم‌ها این کار را می‌کنی؟

چون مخاطب عام ممکن است آن کاری را که من دوست دارم نپسندد، بنابراین سعی می‌کنم بینابین حرکت کنم؛ بین چیزی که خودم دوست دارم و چیزی که مردم بیشتر به آن علاقه دارند. اما یک کاری ممکن است ۸۰ درصد به سلیقه خودم نزدیک باشد و یک آهنگ دیگر ۸۰ درصد به سلیقه مخاطب نزدیک باشد. ولی من در مجموع آلبوم سعی می‌کنم ترکیبی از این آهنگ‌ها را ارائه دهم؛ یکسری آهنگ‌هایی که مردم دوست دارند و چند آهنگ که خودم بیشتر می‌پسندم. بعضی آهنگ‌ها ممکن است هم مورد علاقه من باشند و هم مورد علاقه مخاطب.

-به نظر تو بهترین متر برای ارزیابی یک خواننده در ایران چیست؟

بهترین متر... آخر معیارهای مختلفی وجود دارد.

-بهترین معیار از نظر خود تو...

به نظر من چند معیار وجود دارد؛ یکی عقیده موزیسین‌های دیگر در مورد کار خواننده است، اینکه اهل فن چه نظری درباره کار من دارند، مهم است. بعد از آن باید دید در کنسرت‌ها طرفداران یک خواننده چ‌گونه او را حمایت می‌کنند. آیا با تبلیغات گسترده سالن اجرای کنسرتش پر می‌شود یا طرفدارانی دارد که بدون تبلیغ گسترده هم برای شنیدن و دیدن کارش می‌آیند؟ همچنین میزان فروش آلبوم و استقبال مردم از آلبوم یک خواننده می‌تواند معیار خوبی باشد. ترکیبی از این معیارها وجود دارد اما به نظر معیار اول مهم‌تر است.

-یگانزار با همین متر و معیارهایی که گفتی تو را ارزیابی کنیم. بزرگ‌ترین انتقادی که به تو می‌شود این است که خودت را به پاپ نزدیک می‌کنی که گفستی علت این حرکت، مردم‌پسندتر شدن کارهاست.

مهم‌ترین دلیلیم برای این کار این است که نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم اما در سه چهار سال گذشته رقابتی میان تعدادی از موزیسین‌ها ایجاد شده. بین وقتی یک نفر کار موفق‌ی را انجام

می‌دهد ممکن است عده دیگری بیایند پشت او

بایستند و حتی از او هم جلو بزنند ولی موضوع این است که این اتفاق انگیزه مضاعفی ایجاد می‌کند، اینکه آدم متوجه می‌شود که می‌شود راهی غیر از راهی که دیگران می‌روند، طی کرد. به نظر بزرگ‌ترین کاری که باید می‌کردم این بود که کارم شنیده شود و راه دیگری وجود نداشت. باید کاری انجام می‌دادم که شنیده می‌شد. شما نمی‌توانید کاری انجام بدهید که خیلی متفاوت باشد چون اگر کارتان بازتابی میان مردم و جامعه نداشته باشد خود موزسین‌ها هم آن را جدی نمی‌گیرند. بنابراین باید اول کار شنیده شود تا بعد درباره آن صحبتی صورت گیرد. من ترجیح دادم آرام‌آرام به چیزی که خودم می‌خواهم نزدیک شوم. هر چه احساس کنم جای پای محکم‌تری دارم و خیالم از اینکه پذیرفته شدم راحت شود، سعی می‌کنم کارهای متفاوت‌تری انجام دهم. این چیزی است که در ذهنم وجود دارد شاید هم عملی نشود.

-در این دو آلبوم اخیر کدام یک این ویژگی را داشته‌اند؟ من احساس می‌کنم در آلبوم دوم به آنچه خودت دوست داری نزدیک‌تر شده‌ای.

بله، همین‌طور است. آلبوم دوم بیشتر آن چیزی بود که خودم می‌پسندیدم ولی نکته مثبت کار این بود که اتفاقاً این آلبوم بیشتر هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

-می‌خواهم بدانم آیا در آلبوم بعدی هم همین روند را ادامه می‌دهی؟

بله، سعی می‌کنم آلبوم‌های بعدی به فضای ذهنی خودم نزدیک‌تر باشنند و البته برایم مهم است که بیشتر هم مورد توجه مردم قرار بگیرد اما این مسالهای است که تا کار منتشر نشود نمی‌توان مورد قضاوت قرار داد.

-یکسری مشکلات در کل شاخه‌های هنری وجود دارد و آن مشکل میان تهیه‌کنندگان و هنرمندان است.

الان دیگر به آن صورت نیست. اتفاق بدی که افتاده این است که تهیه‌کننده‌ها روی خواننده‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که مطرح باشند. سرمایه‌گذارها در واقع کار را می‌گردانند. خواننده‌ای که کار اول‌اش است یا به آن صورت مطرح نیست و معروف نشده کم پیش می‌آید که بتواند تهیه‌کننده‌ای پیدا کند، که حالا برسد به آنجا که آن تهیه‌کننده درباره کارش اعمال نظر کند. درباره خوانندگان مطرح اما معمولاً تهیه‌کنندگان اعلام نظر نمی‌کنند؛ نه درباره طرح جلد و نه درباره هیچ چیز دیگری. چون این خواننده جایگاه خودش را دارد و تهیه‌کننده شرایطش را می‌پذیرد.

- مشکل دیگری که دامنگیر همه هنرمندان است مشکلاتی است که به ویژه در عرصه موسیقی وجود دارد. مشکلات در ارتباط با وزارت ارشاد است. همچنین پخش کلیپ‌ها... و اینکه در هر دوره یک موسیقی مرسوم می‌شود و اغلب تازه‌کارها به سمت آن گرایش پیدا می‌کنند.

بیشتر مشکل به پخش ویدئوها و کلیپ‌ها بازمی‌گردد. وقتی کلیپ‌ها امکان پخش ندارند خواننده‌های تازه‌کار سخت‌تر می‌توانند خود را معرفی کنند تا بتوانند یک سرمایه‌گذار بیابند.

ممكن است يك عده‌اي به طور اتفاقي كارشان مطرح شود اما براي اغلب خواننده‌هاى تازه‌كار اين اتفاق نمى‌افتد. اگر ويدئو هم بدهند كه كلا ممنوع‌الكار مى‌شوند و شانس اينكه تهيه‌كننده‌اي حمايت‌شان كند را باكل از دست مى‌دهند. براي همين است كه هر چند سال يك بار اتفاق مى‌افتد كه يك نفر به ليست خواننده‌هاى مطرح كنسور اضافه شود. در مورد مجوز ندادن به سبك‌هاى جديد هم نظر من اين است كه موسيقي به هيچ عنوان نبايد ميميزى شود البته منظور خود موزيك است. تنها ميميزى كه من به شخصه مى‌توانم تا حدودى بدبيرم ميميزى روى متن آهنگ است در حدى كه با عرف مشكلى نداشته باشد و نه در حدى كه بخواند روى وزن و قافيه ... و نظر بدهند. اگر دست من بود اين كار را نمى‌کردم.

-پس چه می‌کردید؟

يك شوراى شعر... شعر كه نه... يك شوراى متن تشكيل مى‌دادم چون ممكن است يك آهنگ شعر نداشته باشد بلكه يك كلام محاوره‌اي باشد كه نه وزن دارد و نه قافيه. در هيچ جاى دنيا ميميزى موسيقي اين‌طور نيست اما مى‌بينم آلبوم‌هاى كه بيرون نيامده كه كوچك‌ترين اشكال موسيقايى داشته باشد. اما در اينجا آلبومى نيست كه دست‌كم يك اشكال فاحش موسيقايى نداشته باشد. با اينكه كارها بازبينى هم مى‌شوند و مى‌بينم كه اصلاً اين بازبينى‌ها تاثيرى نداشته حال آنكه بسيارى از آلبوم‌هاى غيرمجازى كه منتشر مى‌شوند از كارهاى مجاز به لحاظ موسيقايى درست‌ترند.

-برای همین است که به خوانندگان مجاز انتقاد بیشتری وارد می‌شود، از جمله به خود تو.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۴۶ ■ چهارشنبه ۳ شهریور ۱۳۸۹

موسیقی

امسال در حوزه موسیقی پاپ کنسرت‌های بسیاری برگزار شد و علاقه‌مندان زیادی جلب کرد. صفحه موسیقی روزنامه «شرق» قصد دارد به این نوع موسیقی بپردازد. در شماره‌های آینده به نقد این نوع موسیقی خواهیم پرداخت. گفت‌وگو با سیروان خسروی نخستین گام در پرداختن به این نوع موسیقی است. این گفت‌وگو از دغدغه‌های سیروان خسروی می‌گوید. سوال‌ها و پاسخ‌ها را بخوانید تا به دغدغه‌های این نوع از خواننده‌ها که اتفاقاً طرفداران بی‌شماری دارند پی ببرید. کنسرت سیروان خسروی چندی پیش در تهران برگزار شد و استقبال خوبی هم از آن صورت گرفت.



سیاحت در خیابان موسیقی سیروان خسروی

نبود، چون همزمان شد با انتشار چند آلبوم خوب دیگر.

اتفاقاً من برعکس تو فکر می‌کنم.

-تایستان؟
نمی‌دانم، درست است که جریانات انتخابات پیش آمد اما فکر می‌کنم اگر بعد از انتخابات منتشر می‌شد اصلاً آلبوم نبود می‌شد.

-در آلبوم جدیدت چه ایده‌ای داری؟

در آلبوم جدید سعی دارم کمتر به سمت کنترل خودم پیش بروم. و کاری را انجام بدهم که در سریع‌ترین زمان ممکن به ذهنم می‌رسد تا ببینم چه اتفاقی می‌افتد.

-یعنی می‌خواهی آزمون و خطا کنی؟

نه، به آن شدت آزمون و خطا نیست چون تا به اینجاى کار از نتیجه‌کارم راضی بوده‌ام. حالا نمى‌دانم نتیجه‌نهایی کار جدید چه بشود. من در آلبوم دومم خیلی تحت فشار قرار گرفتم. برای ۱۰ آهنگ حداقل به اندازه ۱۰۰ آهنگ انرژی و وقت گذاشتم و استرس داشتم اما در این آلبوم فکر می‌کنم بهتر است کمی ذهنم را آزاد کنم و بیشتر به خودم اعتماد کنم.

-وقتی گفتی به خودم... فکر کردم می‌خواهی بگویم به خودت بیشتر استراحت بدهی و کار تنظیمی را به کس دیگر بسپاری.

نه به هیچ وجه دلیلی نمی‌بینم چنین کاری کنم. اصلاً راکتر سیروان خسروی یعنی همین. کسی که خودش تنظیم می‌کند، خودش آهنگ می‌سازد و خودش می‌خواند در غیر این صورت دیگر کار، کار سیروان نیست.

-باز هم فضای کار شبیه آلبوم «ساعت ۹ صبح» است.

«ساعت ۹». تو می‌گویی ۹ صبح چون من گفتم من ساعت ۹ را صبح می‌بینم.

-به نظر دوست داری فضای کارت به درد کافه‌های روشنفکری بخورد.

نه این طور نیست.

-نه آهنگ‌های تو طوری نیست که آدم بتواند خیلی راحت آن را نوی ماشینش گوش کند و برود.

اتفاقاً در آلبوم «ساعت ۹» بیشتر آهنگ‌ها آهنگ‌های تجاری است. منظورم بی‌ارزش نیست بلکه منظور این است که در این آهنگ‌ها سلیقه دوران و جامعه در نظر گرفته شده.

-من با نوع ترانه‌ها کاری ندارم. منظورم موسیقی کارهاست. احساس می‌کنم سعی کرده‌ای در موسیقی کارهایت فضای کار را با یک بزرگنمایی و دگرگونی خاصی جلوه دهی.

مساله این است که موسیقی‌ای که در آلبوم من می‌شنوید برآیند موسیقی‌هایی است که من در طول زندگی‌ام شنیده‌ام و در ناخودآگاهم جا گرفته‌اند. من وقتی شروع می‌کنم به ساخت آهنگ سعی نمی‌کنم طور خاصی این کار را انجام دهم. فقط وقتی برای یک خواننده دیگر کار می‌کنم ناچار می‌شوم سعی خاصی به خرج بدهم اما در آلبوم خودم سعی نمی‌کنم مثلاً موسیقی و فضای شرقی را غربی کنم.

-زانیار هم در آلبوم جدید هست... البته اگر کارهایش حذف نشود.

بله، زانیار در آلبوم جدید در شعر و ملودی خیلی کمک کرده.

-فکر می‌کنی مردم به آلبوم جدیدت چه واکنشی نشان بدهند؟
همین آلبوم که هنوز آماده نشده؟

-کارها تا یک جا پیش رفته؟ یعنی هیچ کاری انجام نشده؟
نه خیلی از کارها انجام شده اما مشخص نیست که کارها کی تمام شود.

-با شناختی که از تو دارم می‌دانم همیشه تصاویر کلی و مشخصی از کاری که می‌خواهی انجام بدهی در ذهن داری. می‌خواهم کمی از آن تصویر کلی با هم صحبت کنیم. به نسبت آن تصویر کلی مردم چه بر خوردی با این آلبوم

خواه داشت؟
فضای این آلبوم تا حدودی مینی‌مال و خلوت

موسیقی

•

زهره نیلی

سنتی تاچندصدایی

در کنسرت موسیقی کامکارها

کنسرت کامکارها در دو بخش فارسی و کردی اجرا می‌شود. نخستین بخش با موسیقی نیمه‌سنتی آغاز می‌شود و به موسیقی چندصدایی می‌رسد و در قسمت دوم هم موسیقی فولکلور کردی با تنظیمات جدید به اجرا درمی‌آید. ۱۸ و ۱۹ شهریور ماه و همزمان با فرارسیدن عید سعید فطر، کنسرت کامکارها در برج میلاد برگزار می‌شود. به همین منظور هوشنگ کامکار سرپرست گروه موسیقی کامکارها در یک نشست خبری که سیام مراد برگزار شد به طرح جزییاتی درباره این کنسرت و قطعات مختلفی که در آن اجرا می‌شود، پرداخت. او به دو بخش مختلف کنسرت اشاره کرد و افزود: «نخستین بخش با موسیقی نیمه‌سنتی آغاز می‌شود و به موسیقی چندصدایی می‌رسد چراکه قطعه‌ای از پشنگ کامکار، آغا‌زگر این بخش است و سبک کار او چه در آهنگسازی و چه در نوازندگی به‌گونه‌ای است که به موسیقی نیمه‌سنتی و نه سنتی نزدیک می‌شود تا به قطعاتی از ارسلان می‌رسد که مدرن و تکنیکی‌تر است و به موسیقی چندصدایی می‌انجامد.»

«سر خوشان عشق» شعری از مولانا با آهنگسازی پشنگ کامکار، تکنوازی سننور و تار، «گلبانگ رود» شعر حافظ با آهنگسازی ارسلان، تکنوازی کمانچه و «یار مرا» شعری از مولانا باز با آهنگسازی ارسلان و تکنوازی عود، قطعات مختلفی هستند که در بخش اول اجرا می‌شوند گرچه تصنیف «ساقیان» از ساخته‌های هوشنگ کامکار با شعری از مولانا در همین قسمت به اجرا درمی‌آید.

سرپرست گروه کامکارها رفتن از موسیقی سنتی به چندصدایی را ویژگی مشترک بین تکنوازی‌ها و تصانیف دانست و گفت: «تکنوازی‌ها هم از موسیقی سنتی فاصله می‌گیرند و به موسیقی چندصدایی نزدیک می‌شوند و شکل پیچیده‌تری پیدا می‌کنند. برای مثال تکنوازی کمانچه اگرچه براساس ردیف است اما با موسیقی سنتی تفاوت بسیار دارد. یا تکنوازی عود به‌گونه‌ای است که به «کادانس» در تکنوازی ویولن می‌ماند و می‌داند که کادانس، بخش بسیار دشواری در موسیقی کلاسیک است که هنر و توانایی نوازنده را در تکنوازی می‌رساند. در قسمت دوم هم به بازسازی موسیقی فولکلور کردی پرداخته‌ایم. گرچه قطعاتی هم به همان سبک و سیاق فولکلوریک و به صورت دست‌نخورده به اجرا درمی‌آیند اما بیشتر قطعات با تنظیمات جدید همراه شده‌اند. در این قسمت از شعر شاعران بزرگ کرد بهره برده و از موسیقی و لهجه‌های مختلفی که در کردستان رواج دارد استفاده کرده‌ایم. بر خلاف کنسرت‌های پیش که به کردی رایج در سنجند

بسته می‌کردیم.» هوشنگ کامکار به‌روز کردن موسیقی فولکلور را یکی از راه‌های حفظ آن دانست و افزود: «بسیاری از آهنگسازان بزرگ و پیشرو دنیا از «واز ماهیگیران» یا دیگر ترانه‌های فولکلوریک رایج در سرزمین‌شان به عنوان بن‌مایه‌های کار خود بهره می‌برند چرا ما چنین نکنیم؟ چرا ما موسیقی فولکلور خود را با تکنیک‌های رایج در جهان نمایمیز؟ گرچه راه دیگری هم برای حفظ موسیقی عامیانه وجود دارد و آن این است که می‌توان به نت‌نویسی و گردآوری این نوع موسیقی پرداخت و به آن جنبه موزه‌ای داد تا پژوهشگران و علاقه‌مندان به فولکلور بتوانند از آن استفاده کنند.»

سرپرست و سخنگوی گروه کامکارها با اشاره به ضرورت حمایت از جوانان و آهنگسازان گمنام گفت: «ما به دنبال شهرت افرادیم در صورتی که یک نوازنده یا آهنگساز جوان و تازه‌کار می‌تواند بهتر از من بنوازد یا آهنگ بسازد اما هیچ سازمان یا نهاد دولتی از او پشتیبانی نمی‌کند. کارش، منتشر و شنیده نمی‌شود پس چگونه می‌توان انتظار داشت مردم او را بشناسند و به کنسرتش بروند؟ از سوی دیگر ایرانیان، گونه‌ای به خودشان هم دروغ می‌گویند. چرا باید به برنامه‌ای بروند که برگزارکنندگان به جایگاه مخاطب احترام نمی‌گذارند؟ برای نمونه اگر به کنسرت کامکارها می‌آیند و می‌بینند این گروه دچار تکرار شده و مدت‌هاست کار خوبی ارائه نکرده چرا باز هم‌زمان انرژی و پول خود را صرف خرید بلیت و رفتن به کنسرت کامکارها می‌کنند؟»

کامکار همچنین بیان کرد: «خوب است هنرمندان بخشی از درآمد خود را به موسسه‌های خیریه اختصاص دهند. در همه جای دنیا هم چنین است. کنسرت کامکارها هم یک روز خود را، بیستم شهریور، به محک و حمایت از کودکان سرطانی اختصاص داده است.» او بود قانون کپی‌رایت را یکی از مشکلات اساسی موسیقی ایران دانست و افزود: «این روزها هزینه بسیاری صرف نشر و پخش آثار موسیقایی می‌شود در حالی‌که حق مالکیت معنوی یا همان قانون کپی‌رایت رعایت نمی‌شود و افراد به راحتی می‌توانند سی‌دی‌های مختلف را کپی یا آهنگ مورد نظر خود را دانلود کنند.»

حسین توتونچیان مدیر عامل موسسه ققنوس هم با اشاره به هزینه سنگین سالن و نور و صدا گفت: «تلاش ما براین بود که قیمت بلیت، متعارف و متناسب باشد تا علاقه‌مندان بیشتری بتوانند به سالن بیایند اما با توجه به هزینه بسیار بالای سالن و نور و صدا توانستیم بهای بلیت را به پایین‌تر از ۲۰ هزار تومان برسانیم؛ قیمتی که در ۲۰ هزار تومان شروع می‌شود و به ۴۵ هزار تومان می‌رسد. البته سالن وزارت کشور و نمایشگاه بین‌المللی هم از کنسرت کامکارها استقبال کردند اما سالن همایش‌های برج میلاد، استانداردترین است.»

کپی

■**شوق‌نامه درویشی عید فطر منشر می‌شود**

ایلنا: محمدرضا درویشی از انتشار مجموعه «شوق‌نامه» که بازخوانی تصانیف عبدالقادر مراغی با صدای همایون شجریان است، پس از ماه رمضان خبر داد. شوق‌نامه حاصل پنج سال کار مداوم درویشی در ضبط و نت‌نویسی روایت‌های مکتوب مراغی است. محمدرضا درویشی(آهنگساز و محقق) با اعلام این خبر گفت: این مجموعه در واقع بازخوانی تصانیف عبدالقادر مراغی است که توسط گروه عبدالقادر مراغی به سرپرستی خودم اجرا شده و همایون شجریان آن را خوانده است. وی افزود: سه عدد سی‌دی، سه عدد کاست، کتابچه متن و توضیحات، فولدر نت‌ها در قطع بزرگ و اطلاعات مربوط به سازها، نوازنده‌ها و گروه، بخش‌های مختلف این مجموعه موسیقی را تشکیل می‌دهد که قرار است بعد از عید فطر توسط انتشارات کانون پرورش فکری منتشر شود. این پژوهشگر افزود: این مجموعه «شوق‌نامه» حاصل پنج سال کار است که سه سال تمرین و ضبط آن طول کشید و دو سال هم نت‌نویسی آن وقت برده است. محمدرضا درویشی در خصوص این اثر گفت: غیر از روایت‌های مکتوب درباره عبدالقادر مراغی نوشته تقی پینش که در رساله‌های جام‌الاحنان، مقاصدالاحنان و ادوار صفی‌الدین ارموی موجود است، ما سند دیگری از مراغی در ایران نداشتیم. وی ادامه داد: ۳۰ تصنیف به عبدالقادر مراغی منسوب شده است. من طی سفر به ترکیه توانستم ۲۴ تصنیف را جمع‌آوری کنم اما شش تصنیف دیگر را هنوز پیدا نکردام. محمدرضا درویشی در ابتدای کار مجموعه «شوق‌نامه» را با یک گروه هفت‌نفره آغاز کرد که به تدریج به یک گروه ۲۷نفره تبدیل شد و سپس شمار گروه به ۹ نفر کاهش یافت. این گروه به سرپرستی محمدرضا درویشی و خوانندگی همایون شجریان، ۲۴ تصنیف منسوب به عبدالقادر مراغی را بر اساس اشعاری از حافظ، جامی، خیام، فیضی‌دکنی، فصیحی و شاعران ناشناخته اجرا می‌کند. درویشی در این پروژه، اشعار عربی و مصرع‌های ترکی را نیز در قالب آلبوم «شوق‌نامه» ضبط کرده است.

عبدالقادر مراغی ریاضیدان، موسیقیدان و نوازنده ایرانی قرن نهم هجری است که لقب معلم ثانی را در موسیقی دارد. او علاوه بر نوازندگی در خوشنویسی، شعر و نقاشی تبحر داشته است. ارتباط بین موسیقی ایرانی و موسیقی ترک از جمله پژوهش‌های اوست. او همراه با فارابی، ابوعلی سینا، صفی‌الدین ارموی و قطب‌الدین شیرازی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان موسیقی ایرانی به شمار می‌رود. محمدرضا درویشی زاده ۲۸ مهر ۱۳۴۴ در شیراز، آهنگساز، پژوهشگر موسیقی و مولف دایره‌المعارف سازهای ایران است. وی در سال ۱۳۵۷ در رشته آهنگسازی از دانشکده هنرهای زیبای تهران فارغ‌التحصیل شد. او علاوه بر آهنگسازی، از ۲۰ سال پیش پژوهش در موسیقی نواحی مختلف را با سفر به شهرها و روستاهای ایران آغاز کرده است. موسیقی کلیدر که بر اساس رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی ساخته شده است، یکی از شاهکارهای درویشی است. آلبوم‌های گنبد مینا و جان عشاق حاصل همکاری وی با پرویز مشکاتیان است.